

برخی مطالب در رابطه با بحران گروگان‌گیری اعضای سفارت امریکا در تهران

[به‌تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) تا ۳۰ دی ۱۳۵۹ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۱)]

علی صدارت

برای به بی‌راهه کشاندن انقلاب، برای اینکه مردم سایر کشورهای زیرسلطه هوس انقلاب نکنند، قدرت‌ها دست به دست هم داده و بی‌ثباتی‌سازی‌های و بحران‌هایی را ساخته و پرداخته و به ایران و ایرانیان تحمیل کردند. در این رابطه، چند ابربحران، مسیر انقلاب را به ضد آن مبدل نمود، فاجعه‌ای که امروز شاهد آن هستیم.

اولین ابربحران، حمله به سفارت امریکا، و به گروگان گرفتن اعضای آن به مدت ۴۴۴ روز بود. این بحران به شکلی مدیریت شد که تلاشهای کارتر، ریاست جمهوری امریکا از یک سو، و بنی‌صدر، ریاست جمهوری ایران از سوی دیگر، توسط ریگان و شرکا و خمینی و شرکا خنثی شد. گروگانها را که در چندین محل در شهرهای مختلف ایران و دور از هم نگه داشته شده بودند را به تهران آوردند و ساعت‌ها در هواپیما به انتظار نشاندند، تا آنها را طبق توافق، درست موقعی از ایران خارج کنند که رونالد ریگان در واشنگتن در مراسم تحلیف ریاست جمهوری بود.

از آن موقع، اسنادی منتشر شده‌اند که در این سایت جمع‌آوری شده‌اند. برخی از آنها از این قرارند:

افشاگری شخصیت امریکایی بارنز 43 سال بعد از ماحرای اکتبر سورپراز، گزارش

اختصاصی روزنامه نیویورک تایمز

<https://enghelabe-eslami.com/index.php/component/content/article/21-didgagha/tarikhi/50947-43.html?Itemid=0>

تاریخ ایجاد در یکشنبه, 28 اسفند 1401 15:31

انقلاب اسلامی در هجرت: مقاله ای که ترجمه آنرا خوانندگان ملاحظه می کنند تحقیقی است که روزنامه نیویورک تایمز دیروز 18 مارس 2023 در باره موضوع اکتبر سورپراز یا همان تبانی بین سران حزب جمهوری اسلامی و همکاران ریگان [که هنوز رئیس جمهوری نشده بود] برای به تاخیر انداختن آزادی گروگانها و گرفتن اسلحه از آمریکا منتشر کرده است. شهادت استثنایی آقای برنز سیاستمدار امریکایی 43 سال بعد منتشر شده است و بر داده ها دیگر می افزاید و اکنون با وجود این شاهد زنده شکی در این تبانی وجود ندارد. بن برنز سیاستمدار آمریکایی تنها به خاطر ناآرامی وجدان با دیدن کارتر در بستر مرگ اکنون به این تبانی اعتراف کرده است و اطلاعات خود را در اختیار نیویورک تایمز قرار داده است. آقای بنی

صدر از زمان خروج از ایران این مسئله را پیگیری کرده بودند و یکی از کادرهای دفتر ریاست جمهوری آقای رشید صدرالحفاظی بخاطر تحقیق در باره این تبانی و دادن گزارش 100 صفحه ای در این باره به آقای بنی صدر بعد از کودتای خرداد سال 60 اعدام شد.

نیویورک تایمز، واشنگتن - بن بارنز Ben Barnes می گوید که بیش از چهار دهه از آن ماجرا گذشته، ولی آن را به یاد دارد. استاد سیاسی او، او را برای انجام مأموریتی به خاورمیانه دعوت کرد. آقای بارنز می گوید آنچه که در آن زمان درک نکرده بود، هدف واقعی این مأموریت برای خرابکاری در جهت ممانعت از انتخاب مجدد رئیس جمهور ایالات متحده بود. در سال 1980، جیمی کارتر در کاخ سفید بود و با بحران گروگانگیری در ایران مواجه بود که ریاست جمهوری او را فلج کرده بود و تلاشش برای کسب دور دوم را مختل نموده بود. بهترین فرصت برای پیروزی آقای کارتر آزادی 52 آمریکایی گروگان در ایران قبل از روز انتخابات بود که به گفته آقای بانز استادش مصمم بود که مانع از آن شود.

آقای کانالی Connally ، استاد آقای بارنز و یکی از شخصیت‌های برجسته سیاست امریکا و فرمانده سابق ایالت تکزاس تصمیم گرفت کمکی به برنده شدن آقای ریگان در انتخابات بکند و در این روند، برای این که مورد توجه ریاست جدید برای تبدیل شدن به وزیر امور خارجه یا دفاع قرار گیرد، از آقای بارنز کمک گرفت.

مربی او جان بی کانالی جونیور بود، غول پیکر سیاست امریکا و فرماندار سابق تگزاس که به سه رئیس جمهور خدمت کرده بود و تلاشش برای رسیدن به کاخ سفید ناموفق بود. آقای کانالی، یک دموکرات سابق، در سال ۱۹۸۰ به دنبال نامزدی جمهوریخواهان بود، اما از فرماندار سابق کالیفرنیا رونالد ریگان شکست خورد. اکنون آقای کانالی تصمیم گرفت که به رونالد ریگان کمک کند تا جیمی کارتر را شکست دهد و در عین حال، آقای بارنز می‌گوید، خود را برای وزیر خارجه یا دفاع شدن در دولت جدید مطرح کند.

آقای بارنز بیشترین بخش از آنچه بعداً رخ داد را حدود 43 سال گذشته نزدیک خود مخفی نگه داشته است. او می‌گوید که آقای کانالی او را در طول آن تابستان به پایتخت‌های مختلف خاورمیانه برد و با یک سری از رهبران منطقه دیدار کرد تا یک پیام صریح به ایران منتقل کند: قبل از انتخابات، گروگان‌ها را آزاد نکنید. آقای ریگان برنده خواهد شد و معامله بهتری با شما خواهد کرد. بعد از بازگشت به خانه، آقای بارنز می‌گوید که آقای کانالی به ویلیام جی. کیسی، رئیس وقت تبلیغات آقای ریگان و مدیر بعدی سازمان سیا، در یک سالن فرودگاه گزارش این سفر را ارائه کرد. اعضای تیم کاری آقای کارتر همیشه مشکوک بودند که آقای کیسی یا کسی دیگر از اطرافیان آقای ریگان محرمانه به دنبال نابود کردن تلاش‌ها برای آزادی گروگان‌ها قبل از انتخابات بودند. و کتاب‌هایی با عنوان «سورپرایز اکتبر» نوشته شده است. اما تحقیقات کنگره نظریات قبلی درباره آنچه رخ داده را رد کردند.

آقای کانالی در آن تحقیقات کنگره نقشی نداشت. مشارکت او، همانطور که آقای بارنز توصیف کرده است، درک جدیدی از آنچه در سال تصمیم‌گیری بحرانی و سرنوشت ساز در انتخابات رخ داده است، را اضافه می کند. با توجه به اینکه آقای کارتر در 98 سالگی و بستری در بیمارستان و تحت مراقبت است، آقای بارنز می گوید که احساس کرده مجبور است که بیاید و در اینباره توضیحاتی تصحیحی بدهد. تاریخ باید بداند که این اتفاق افتاده است.

آقای بارنز که ماه آینده 85 ساله می شود در یکی از چندین مصاحبه با یک شبکه خبری در باره این اتفاق گفت: فکر می کنم که این موضوع خیلی مهم است و حدس می زنم که پایان عمر رئیس جمهور کارتر نزدیک است این موضوع بیش از پیش برایم مطرح می شود. و حس می کنم که باید آنرا بازگو کنم.

آقای بارنز نه تاجر اسلحه خارجی مشکوک با مرتبطی نامشخص ، مانند برخی از شخصیت‌هایی که تئوری‌های قبلی اکتبر سورپرایز را دامن زدند نیست. وی یکی از شخصیت‌های برجسته تگزاس بود، جوان‌ترین سخنگوی مجلس نمایندگان تگزاس و سپس معاون فرماندار شد. او چنان شخصیت بانفوذی بود که به جورج دبلیو بوش جوان کمک کرد تا وارد گارد ملی هوایی تگزاس شود و از انجام نظام وظیفه در جبهه جنگ سر باز زند و به ویتنام فرستاده نشود. لیندون بی. جانسون پیش‌بینی کرده بود که آقای بارنز روزی رئیس‌جمهور خواهد شد. تأیید داستان آقای بارنز پس از مدت ها مشکل ساز است. آقای کانالی، آقای کیسی و دیگر شخصیت‌های مهم

همگی مدتهاست که فوت کرده‌اند و آقای بارنز هیچ دفتر خاطرات یا یادداشت‌هایی برای تأیید ادعای خود ندارد. اما وی دلیل واضحی برای ساختن داستان ندارد در واقع به دلیل واکنش همکاران دموکراتش، ترس داشته است.

آقای بارنز چهار فرد زنده را نام برد که گفت او در طول سال‌های گذشته این راز را به آن‌ها اطلاع داده بود: مارک کی آپدگروو، رئیس بنیاد L.B.J؛ تام جانسون، یکی از کارکنان سابق لیندون جانسون که بعدها ناشر روزنامه لس آنجلس تایمز و رئیس شبکه CNN شد؛ لری تمپل، یکی از کارکنان سابق آقای کانالی و لیندون جانسون؛ و H.W. براندز، تاریخ‌نگار دانشگاه تگزاس. همه چهار نفر در روزهای اخیر تأیید کردند که آقای بارنز سال‌ها قبل این داستان را با آنها به اشتراک گذاشته است. تام جانسون می‌گوید "تا جایی که من می‌دانم، بن هرگز به من دروغ نگفته است و دیگران نیز همین نظر را تأیید کردند. آقای براندز در بیوگرافی سال ۲۰۱۵ ریگان سه پاراگراف درباره خاطرات آقای بارنز گنجانده بود، اما در آن زمان به این داستان کمترین توجه عمومی نشد. سوابق موجود در کتابخانه و موزه لیندون بینز جانسون بخشی از داستان آقای بارنز را تأیید می‌کنند. برنامه سفری که در فایل‌های آقای کانالی پیدا شد نشان می‌دهد که وی در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۰، برای یک سفر به اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی مصر و اسرائیل، هیوستون را ترک کرده بود و در تاریخ ۱۱ اوت به هیوستون بازگشته است. نام آقای بارنز نیز در لیست همراهان وی ثبت شده بود

گزارشهای کوتاه خبری در آن زمان در مورد برخی از توقفهای آقای کانالی با جزئیات اندکی گزارش دادند و این سفر را "به شدت خصوصی" توضیف کرده بودند. یک یادداشت سوال برانگیز در پرونده آقای کانالی خاطرات آقای بارنز مبنی بر تماس با اردوگاه ریگان در اوایل سفر را تأیید می کند. تحت عنوان "فرماندار ریگان" یادداشتی از دستیار به آقای کانالی در 23 ژوئیه گزارش شده است: "نانسی ریگان تماس گرفت. آنها در رانچ هستند، او می خواهد با شما در مورد حضور در جلسات استراتژیک صحبت کند." هیچ گزارشی از پاسخ او وجود ندارد.

آقای بارنز به یاد می آورد که در اوایل سپتامبر به آقای کانالی پیوست تا در یک جلسه سه ساعته با آقای کیسی در سالن هواپیمایی امریکن ایر لاین در جایی که آنزمان فرودگاه منطقه دالاس / فورت ورث نامیده می شد به آقای کیسی گزارش سفر خود را بدهد. در تقویم آقای کانالی که در هفته گذشته یافت شد نشان داد که او در همان هفته، به دالاس در تاریخ ۱۰ سپتامبر سفر کرده است. جستجو در بایگانی آقای کیسی در موسسه هوور در دانشگاه استنفورد مدرکی داب بر حضور آقای کیسی در دالاس در آن زمان یافت نشد.

. آقای بارنز گفت که اطمینان دارد هدف از سفر آقای کانالی، ارسال پیام به ایرانیان بود تا گروگان ها را تا پس از انتخابات نگه دارند. او گفت: "من با این باور که این موضوع هدف سفر بوده به خاک سپرده خواهم شد. این کار فردی نبود چرا که آقای کیسی بسیار علاقه مند بود که در اسرع وقت پس از بازگشت به ایالات متحده

گزارش بگیرد". او همچنین گفت که آقای کیسی می‌خواست بداند "آنها آیا
گروگان‌ها را نگه می‌دارند یا خیر.؟"



ویلیام جی کیسی، سمت چپ، در زمان دولت ریگان، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی
آمریکا شد.

هیچ کدام از این ادعاها نشان نمی‌دهد که آقای ریگان در مورد سفر اطلاع داشته
باشد، همچنین آقای بارنز نمی‌توانست بگوید که آقای کیسی به آقای کانالی دستور
سفر داده باشد. به همین ترتیب، او نمی‌داند که پیامی که به چندین رهبر
خاورمیانه منتقل شد، به دست ایرانیان رسیده است یا نه، فراتر از آن اینکه تصمیم
گیری آنها را تحت تأثیر قرار داده است یا خیر. اما ایران گروگانها را تا پس از انتخابات

نگه داشت، که آقای ریگان برنده آن شد، و آنها را چند دقیقه پس از ظهر 20 ژانویه 1981، به هنگام پایان ریاست جمهوری آقای کارتر، آزاد کرد.

جان بی. کانالی سوم، فرزند ارشد فرماندار سابق، در مصاحبه‌ای در روز جمعه گفت که به یاد دارد پدرش به سفر خاورمیانه رفته بود، اما هرگز چیزی درباره پیامی به ایران شنیده بود. در حالی که او در سفر شرکت نکرده بود، آقای کانالی جونیور گفت که به همراه پدرش به دیدار با آقای ریگان برای بحث درباره این موضوع شرکت کرد و بحث درباره تنش عرب-اسرائیلی و سایر مسائلی که رئیس جمهور جدید با آنها روبرو خواهد شد، متمرکز شد.

"هیچ یادآوری در هیچ دیداری که من در آن شرکت کرده بودم درباره ارسال پیامی به ایران نشده بود." آقای کانالی افزود: "این که به نظر من نمی‌رسد. نمی‌توانم به خاطر بن در این باره چالش بیاورم، اما با خاطرات خودم از سفر، سازگار نیست."

شبهه‌ها درباره تعاملات تیم ریگان به ایران سالها بی سر و صدا پخش میشد تا زمانی که گری سیک، مشاور امنیت ملی سابق آقای کارتر، در آوریل 1991 مقاله مهمی را در روزنامه نیویورک تایمز منتشر کرد و در نوامبر همان سال کتاب "October Surprise" را منتشر نمود که این تئوری را مطرح کرد.

اصطلاح "October Surprise" در ابتدا توسط اردوی ریگان برای توصیف ترس آنها از این بود که آقای کارتر توطئه کرده و آنها را درست قبل از انتخابات آزاد کند، استفاده شد.

برای جلوگیری از چنین سناریویی، گفته می شود که آقای کیسی در ماه های جولای و اوت 1980 در مادرید با نمایندگان ایران دیدار کرده و یک توافقنامه در پاریس در ماه اکتبر به امضا رسانده است که بر اساس آن، دولت آینده ریگان تسلیحات را از طریق اسرائیل به تهران ارسال خواهد کرد، در مقابل گروگان ها را تا پس از انتخابات در ایران نگه دارند.

مجلس نمایندگان و سنا به طور جداگانه اجازه تحقیق در باره October Surprise را دادند و در نهایت هر دو ادعاها را رد کردند. گروه کاری دو حزبی مجلس نمایندگان، که توسط یک دموکرات، نماینده لی اچ همیلتون از ایندیانا رهبری شده بود و توسط ۵ نماینده جمهوری خواه و ۸ نماینده دموکرات به کنترل درآمده بود، در گزارشی به طول ۹۶۸ صفحه نتیجه گیری کردند که آقای کیسی در آن زمان در مادرید نبوده است و داستان های مربوط به معاملات پنهانی موردی پشتیبانی معتبر از شواهد، اسناد یا گزارش های اطلاعاتی ندارند. [توضیح سایت: البته رابرت پاری محقق امریکایی که در باره اکتبر سورپرایز تحقیقات جدی انجام داده است در سال 2012 مدرکی بدست آورد که ثابت می کرد کیسی در آن زمان در مادرید بوده است

او این مدرک را به هامیلتون نشان می دهد و هامیلتون می گوید اگر آنزمان این مدرک را داشتیم دآوری کمیسیون تغییر می کرد].

آقای گاری سیک که در هفته گذشته توسط تلفن مورد سؤال قرار گرفت، گفت که هیچ اطلاعاتی از دخالت آقای کانالی در این مسئله نداشته، اما توصیفات آقای بارنز را به عنوان تأییدی از نگرانی‌هایی که او بیان کرده بود، می‌بیند. آقای سیک گفت: "این خیلی جالب است و واقعاً به میزان اطلاعات اساسی در این زمینه اضافه می‌شود، اینکه فقط به دلیل اینکه او این کار را انجام داد و پس از بازگشت خود با کیسی مصاحبه کرد، به معنای خودش چیزی می‌رساند." او افزود: "این داستان به خوبی از هر چیزی که تا به حال دیده‌ام، بهتر است، بنابراین این واقعاً جدید است".

مایکل اف. زلدین، وکیل دموکرات گروه ضربت، و دیوید اچ. لافمن، وکیل جمهوری خواه برای گروه ضربت، هر دو در مصاحبه های اخیر گفتند که آقای کانالی هرگز در طول تحقیق از صفحه رادار آنها عبور نکرده است و بنابراین آنها هیچ مبنایی برای قضاوت در مورد گزارش آقای بارنز ندارند. اگرچه هیچ ثبتي از دخالت کیسی در هیچ معامله‌ای به عنوان "سورپرایز اکتبر" اثبات نشد، او بعدها به دزدیدن کتاب بررسی کمپین کارتر قبل از برگزاری تنها بحث بین دو نامزد برای انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر 1980 متهم شد، با این حال او دخالت در این موضوع را رد کرد

اخبار مربوط به گفته های آقای بارنز برای برخی از مشاوران باقیمانده آقای کارتر تأیید شد. جرالدفشون که مدیر ارتباطات او در کاخ سفید بود، گفت هرگونه مداخله ممکن است تاریخ را تغییر داده باشد. او گفت: «اگر گروگان ها را به خانه بازگردانده بودیم، برنده می شدیم، من واقعاً این را باور دارم. "این خیلی ظالمانه است."

قای کانالی غول سیاسی دوران خود بود. او که در یک مزرعه پنبه در تگزاس جنوبی بزرگ شد، در جنگ جهانی دوم در نیروی دریایی خدمت کرد و یکی از معتمدین لیندون بی. جانسون شد و به اجرای پنج کمپین انتخاباتی او کمک کرد، از جمله انتخابات مورد مناقشه او در سال 1948 به مجلس سنا که با اتهام معتبر تقلب خدشه دار شد می باشد. آقای کانالی تلاش ناموفق جانسون برای نامزدی ریاست جمهوری دموکرات ها در سال 1960 را مدیریت کرد، سپس برای بلیط جان اف کندی و آقای جانسون کار کرد. آقای کانالی با یک انتصاب به عنوان وزیر نیروی دریایی پاداش دریافت کرد. او سپس در سال 1962 در رقابتی برای فرمانداری تگزاس پیروز شد.

او در لیموزین ریاست جمهوری در نوامبر 1963 درست مقابل آقای کندی در دالاس نشسته بود که لی هاروی اسوالد تیراندازی کرد. آقای کانالی از ناحیه کمر، قفسه سینه، مچ دست و ران آسیب دید، اما برخلاف آقای کندی از این مصیبت جان سالم به در برد. او دو دوره دیگر عنوان فرماندار را به دست آورد، سپس در زمان رئیس

جمهور ریچارد ام. نیکسون وزیر خزانه داری شد و در نهایت احزاب را تغییر داد. او مورد علاقه آقای نیکسون بود که می خواست او را معاون یا جانشین رئیس جمهور کند.



آقای بارنز، راست، با رئیس جمهور لیندون بی. جانسون.

سال 1974، آقای کانالی به اتهام دروغگویی و توطئه برای مخالفت با عدالت محکوم شد و به این دلیل متهم شد که ۱۰,۰۰۰ دلار برای حمایت از افزایش قیمت شیر دریافت کرده بود، اما توسط هیئت منصفه بی‌گناه شناخته شد. در مسیر کار، آقای کانالی در آقای بارنز، یک شاگرد سیاسی، محافظ پیدا کرد که به گفته جیمز رستون جونیور، نویسنده زندگی‌نامه آقای کانالی به نام «ستاره تنها»، بیشتر یک

پسرخوانده بود تا یک دوست. آقای بارنز فرزند یک کشاورز بادام زمینی بود که برای پرداخت شهریه خود در دانشگاه، با فروش مکنده درب درآمد کسب کرده بود. وی در سن ۲۱ سالگی به مجلس تگزاس انتخاب شد و در کنار آقای کانالی در سخنرانی نخستین کاندیداتوری خود برای فرمانداری در سال ۱۹۶۲ ایستاد.

از سمت چپ، آقای بارنز، آقای کانالی و رئیس جمهور انور السادات مصر. آقای بارنز گفت که آقای کانالی آقای ریگان را به هر رهبر که در سفر خود ملاقات می کردند ارتقاء داد

این دو در شرایط خوبی باقی ماندند. آقای کانالی در خاطرات خود، در سایه تاریخ، کمی قبل از آن نوشت: «به رغم ناامیدی از ترتیبات تجاری مان، من و بن بارنز با هم دوست هستیم، اگرچه شک دارم که هر یک از ما با دیگری به تجارت بازگردیم. در سال 1993 در سن 76 سالگی درگذشت. آقای بارنز، به نوبه خود، هفته گذشته گفت که "من همچنان یکی از طرفداران بزرگ او هستم."

آقای بارنز گفت که وقتی آقای کانالی از او دعوت کرد، هیچ ایده ای از هدف سفر به خاورمیانه نداشت. آنها با جت Gulfstream متعلق به Superior Oil به منطقه سفر کردند. او گفت، تنها زمانی که آنها با اولین رهبر عرب به گفتگو نشستند، آقای بارنز متوجه شد که آقای کانالی در حال انجام چه کاری است.

آقای بارنز یادآور شد: "ببینید، رونالد ریگان به عنوان رئیس جمهور انتخاب خواهد شد و شما باید به ایران این خبر را برسانید که آنها با ریگان معامله بهتری نسبت به کارتر خواهند کرد." زمانی که او گفت: "بسیار هوشمندانه است که شما این کلمه را به ایرانی ها برسانید که صبر کنند تا این انتخابات سراسری تمام شود." من متوجه شدم که چرا آنجا هستیم."

آقای بارنز گفت که به جز اسرائیل، آقای کانالی در هر ایستگاه منطقه همان پیام را برای رهبرانی مانند رئیس جمهور انور السادات مصر تکرار کرد. او فکر کرد که انگیزه دوستش روشن است. آقای بارنز گفت: «برای من کاملاً روشن شد که کانالی برای وزارت خارجه یا وزیر دفاع نامزد شده است. (بعداً به آقای کانالی پیشنهاد وزیر انرژی داده شد اما نپذیرفت).

آقای کانالی گفت: "رونالد ریگان رئیس جمهور خواهد شد و شما باید به ایران این را بگویید که با ریگان توافق بهتری نسبت به کارتر خواهند داشت"، به یادگار می ماند که آقای بارنز گفت: "او گفت: "خیلی هوشمندانه خواهد بود که به ایرانیان بگویید که منتظر پایان انتخابات بعدی باشند". بعد از شنیدن این حرف، متوجه شدم که چرا اینجا هستیم."

آقای بارنز گفت که در آن زمان داستان واقعی را برای جلوگیری از پیامدهای ناخوشایندی برای حزب خود فاش نکرد. او به یکی از دوستانش توضیح داد:

"نمی‌خواهم به نظر یک بندیکت آرنولد به چشم حزب دموکرات ببایم." او فکر می‌کرد که این عناوین در آن زمان خبرساز خواهد بود. "به هیچ وجه نمی‌خواستم این موضوع در سند زندگی من باشد." اما همانطور که سال‌ها می‌گذرد، او می‌گوید که انصاف به آقای کارتر نشان داده نشده است. او گفت: "درباره این سفر، فکر کنم ظلمی به آقای کارتر شده است. او با مهمانانش در سفارت ایران هیچ شانس برای مبارزه نداشت."

گفتگو درباره این سفر، راهی برای جبران اشتباهات گذشته‌اش بود.

✱

A Four-Decade Secret: One Man's Story of Sabotaging Carter's Re-election

-

A prominent Texas politician said he unwittingly took part in a 1980 tour of the Middle East with a clandestine agenda.

✱

<https://www.nytimes.com/2023/03/18/us/politics/jimmy-carter-october-surprise-iran-hostages.html>

"History needs to know that this happened," Ben Barnes now says of his trip to the Middle East in 1980.

His mentor was [John B. Connally Jr.](#), a titan of American politics and former Texas governor who had served three presidents and just lost his own bid for the White House. A former Democrat, Mr. Connally had sought the Republican nomination in 1980 only to be swamped by former Gov. [Ronald Reagan](#) of California. Now Mr. Connally resolved to help Mr. Reagan beat Mr. Carter and in the process, Mr. Barnes said, make his own case for becoming secretary of state or defense in a new administration.

What happened next Mr. Barnes has largely kept secret for nearly 43 years. Mr. Connally, he said, took him to one Middle Eastern capital after another that summer, meeting with a host of regional leaders to deliver a blunt message to be passed to Iran: Don't release the

hostages before the election. Mr. Reagan will win and give you a better deal.

Then shortly after returning home, Mr. Barnes said, Mr. Connally reported to William J. Casey, the chairman of Mr. Reagan's campaign and later director of the Central Intelligence Agency, briefing him about the trip in an airport lounge.

Mr. Carter's camp has long suspected that Mr. Casey or someone else in Mr. Reagan's orbit sought to secretly torpedo efforts to liberate the hostages before the election, and books have been written on what came to be called the October surprise. But congressional investigations debunked previous theories of what happened.

Mr. Connally did not figure in those investigations. His involvement, as described by Mr. Barnes, adds a new understanding to what may have happened in that hard-fought, pivotal election year. With Mr. Carter now 98 and in hospice care, Mr. Barnes said he felt compelled to come forward to correct the record.

“History needs to know that this happened,” Mr. Barnes, who turns 85 next month, said in one of several interviews, his first with a news organization about the episode. “I think it’s so significant and I guess knowing that the end is near for President Carter put it on my mind more and more and more. I just feel like we’ve got to get it down some way.”

Mr. Barnes is no shady foreign arms dealer with questionable credibility, like some of the characters who fueled previous iterations of the October surprise theory. He was once one of the most prominent figures in Texas, the youngest speaker of the Texas House of Representatives and later lieutenant governor. He was such an influential figure that he helped a young George W. Bush get into the Texas Air National Guard rather than be exposed to the draft and sent to Vietnam. Lyndon B. Johnson predicted that Mr. Barnes would become president someday.

Confirming Mr. Barnes’s account is problematic after so much time. Mr. Connally, Mr. Casey and other central figures have long since died and Mr. Barnes has no diaries or memos to corroborate his

account. But he has no obvious reason to make up the story and indeed expressed trepidation at going public because of the reaction of fellow Democrats.

Mr. Barnes identified four living people he said he had confided in over the years: Mark K. Updegrove, president of the L.B.J.

Foundation; Tom Johnson, a former aide to Lyndon Johnson (no relation) who later became publisher of the Los Angeles Times and president of CNN; Larry Temple, a former aide to Mr. Connally and Lyndon Johnson; and H.W. Brands, a University of Texas historian.

All four of them confirmed in recent days that Mr. Barnes shared the story with them years ago. "As far as I know, Ben never has lied to me," Tom Johnson said, a sentiment the others echoed. Mr. Brands included three paragraphs about Mr. Barnes's recollections in a 2015 biography of Mr. Reagan, but the account generated little public notice at the time.

Records at the [Lyndon Baines Johnson Library and Museum](#) confirm part of Mr. Barnes's story. An itinerary found this past week in Mr.

Connally's files indicated that he did, in fact, leave Houston on July 18, 1980, for a trip that would take him to Jordan, Syria, Lebanon, Saudi Arabia, Egypt and Israel before returning to Houston on Aug.

11. Mr. Barnes was listed as accompanying him.

Brief news accounts at the time reported on some of Mr. Connally's stops with scant detail, describing the trip as "strictly private." An intriguing note in Mr. Connally's file confirms Mr. Barnes's memory that there was contact with the Reagan camp early in the trip. Under the heading "Governor Reagan," a note from an assistant reported to Mr. Connally on July 21: "Nancy Reagan called — they are at Ranch he wants to talk to you about being in on strategy meetings." There was no record of his response.

Mr. Barnes recalled joining Mr. Connally in early September to sit down with Mr. Casey to report on their trip during a three-hour meeting in the American Airlines lounge at what was then called the Dallas/Fort Worth Regional Airport. An entry in Mr. Connally's calendar found this past week showed that he traveled to Dallas on Sept. 10. A search of Mr. Casey's archives at the Hoover Institution

at Stanford University turned up no documents indicating whether he was in Dallas then or not.

Mr. Barnes said he was certain the point of Mr. Connally's trip was to get a message to the Iranians to hold the hostages until after the election. "I'll go to my grave believing that it was the purpose of the trip," he said. "It wasn't freelancing because Casey was so interested in hearing as soon as we got back to the United States." Mr. Casey, he added, wanted to know whether "they were going to hold the hostages."

None of that establishes whether Mr. Reagan knew about the trip, nor could Mr. Barnes say that Mr. Casey directed Mr. Connally to take the journey. Likewise, he does not know if the message transmitted to multiple Middle Eastern leaders got to the Iranians, much less whether it influenced their decision making. But Iran did hold the hostages until after the election, which Mr. Reagan won, and did not release them until minutes after noon on Jan. 20, 1981, when Mr. Carter left office.

John B. Connally III, the former governor's eldest son, said in an interview on Friday that he remembered his father taking the Middle East trip but never heard about any message to Iran. While he did not join the trip, the younger Mr. Connally said he accompanied his father to a meeting with Mr. Reagan to discuss it without Mr. Barnes and the conversation centered on the Arab-Israeli conflict and other issues the next president would confront.

"No mention was made in any meeting I was in about any message being sent to the Iranians," said Mr. Connally. "It doesn't sound like my dad." He added: "I can't challenge Ben's memory about it, but it's not consistent with my memory of the trip."

Suspensions about the Reagan camp's interactions with Iran circulated quietly for years until Gary Sick, a former national security aide to Mr. Carter, [published a guest essay in The New York Times](#) in April 1991 advancing the theory, followed by a book, ["October Surprise,"](#) published that November.

The term “October surprise” was originally used by the Reagan camp to describe its fears that Mr. Carter would manipulate the hostage crisis to effect a release just before the election.

To forestall such a scenario, Mr. Casey was alleged to have met with representatives of Iran in July and August 1980 in Madrid leading to a deal supposedly finalized in Paris in October in which a future Reagan administration would ship arms to Tehran through Israel in exchange for the hostages being held until after the election.

The House and Senate separately authorized investigations and both ultimately rejected the claims. The bipartisan House task force, led by a Democrat, Representative Lee H. Hamilton of Indiana, and controlled by Democrats 8 to 5, concluded in [a consensus 968-page report](#) that Mr. Casey was not in Madrid at the time and that stories of covert dealings were [not backed by credible testimony, documents or intelligence reports.](#)

Still, [a White House memo produced in November 1991](#) by a lawyer for President George H.W. Bush reported the existence of “a cable

from the Madrid embassy indicating that Bill Casey was in town, for purposes unknown.” That memo was not turned over to Mr.

Hamilton’s task force and was discovered two decades

later by Robert Parry, a journalist who helped produce a “Frontline” documentary on the October surprise.

Reached by telephone this past week, Mr. Sick said he never heard of any involvement by Mr. Connally but saw Mr. Barnes’s account as verifying the broad concerns he had raised. “This is really very interesting and it really does add significantly to the base level of information on this,” Mr. Sick said. “Just the fact that he was doing it and debriefed Casey when he got back means a lot.” The story goes “further than anything that I’ve seen thus far,” he added. “So this is really new.”

Michael F. Zeldin, a Democratic lawyer for the task force, and David H. Laufman, a Republican lawyer for the task force, both said in recent interviews that Mr. Connally never crossed their radar screen during the inquiry and so they had no basis to judge Mr. Barnes’s account.

While Mr. Casey was never proved to have been engaged in any October surprise deal-making, he was later accused of surreptitiously obtaining a Carter campaign briefing book before the lone debate between the two candidates, although he denied involvement.

News of Mr. Barnes's account came as validation to some of Mr. Carter's remaining advisers. Gerald Rafshoon, who was his White House communications director, said any interference may have changed history. "If we had gotten the hostages home, we'd have won, I really believe that," he said. "It's pretty damn outrageous."

Mr. Connally was a political giant of his era. Raised on a South Texas cotton farm, he served in the Navy in World War II and became a confidant of Lyndon B. Johnson, helping run five of his campaigns, including his disputed 1948 election to the Senate that was marred by credible allegations of fraud. Mr. Connally managed Mr. Johnson's unsuccessful bid for the Democratic presidential nomination in 1960, then worked for the ticket of John F. Kennedy and Mr. Johnson. Mr. Connally was rewarded with an appointment

as secretary of the Navy. He then won a race for governor of Texas in 1962.

He was in the presidential limousine sitting just in front of Mr. Kennedy in Dallas in November 1963 when Lee Harvey Oswald opened fire. Mr. Connally suffered injuries to his back, chest, wrist and thigh, but unlike Mr. Kennedy survived the ordeal. He won two more terms as governor, then became President Richard M. Nixon's secretary of the Treasury and ultimately switched parties. He was a favorite of Mr. Nixon, who wanted to make him his vice president or successor as president.

Mr. Connally was indicted on charges of perjury and conspiracy to obstruct justice in 1974, accused by prosecutors of taking \$10,000 to support a milk price increase, but acquitted by a jury.

Along the way, Mr. Connally found a political protégé in Mr. Barnes, who became "more a godson than a friend," as James Reston Jr. put it in ["The Lone Star,"](#) his biography of Mr. Connally. The son of a peanut farmer who paid for college selling vacuum cleaners door to

door, Mr. Barnes was elected to the Texas Legislature at age 21 and stood at Mr. Connally's side for his first speech as a candidate for governor in 1962.

With Mr. Connally's help, Mr. Barnes became House speaker at 26 and was later elected lieutenant governor, a powerful position in Texas, only to fall short in his own bid for governor in 1972. He urged Mr. Connally to run for president in 1980 even though by then they were in different parties.

After Mr. Connally's campaign collapsed, he and Mr. Barnes went into business together, forming Barnes/Connally Investments. The two built apartment complexes, shopping centers and office buildings, and bought a commuter airline and an oil company, and later a barbecue house, a Western art magazine, a title company and an advertising company. But they overextended themselves, took on too much debt and, after falling oil prices shattered the Texas real estate market, [filed for bankruptcy in 1987.](#)

The two stayed on good terms. "In spite of the disillusionment of our business arrangements, Ben Barnes and I remain friends, although I doubt that either of us would go back into business with the other," Mr. Connally wrote in his memoir, "[In History's Shadow,](#)" shortly before [dying in 1993](#) at age 76. Mr. Barnes, for his part, said this past week that "I remain a great fan of him."

Mr. Barnes said he had no idea of the purpose of the Middle East trip when Mr. Connally invited him. They traveled to the region on a Gulfstream jet owned by Superior Oil. Only when they sat down with the first Arab leader did Mr. Barnes learn what Mr. Connally was up to, he said.

Mr. Connally said, "'Look, Ronald Reagan's going to be elected president and you need to get the word to Iran that they're going to make a better deal with Reagan than they are Carter,'" Mr. Barnes recalled. "He said, 'It would be very smart for you to pass the word to the Iranians to wait until after this general election is over.' And boy, I tell you, I'm sitting there and I heard it and so now it dawns on me, I realize why we're there."

Mr. Barnes said that, except for Israel, Mr. Connally repeated the same message at every stop in the region to leaders such as President Anwar el-Sadat of Egypt. He thought his friend's motive was clear. "It became very clear to me that Connally was running for secretary of state or secretary of defense," Mr. Barnes said. (Mr. Connally was later offered energy secretary but declined.)

Mr. Barnes said he did not reveal the real story at the time to avoid blowback from his own party. "I don't want to look like Benedict Arnold to the Democratic Party by participating in this," he recalled explaining to a friend. The headlines at the time, he imagined, would have been scandalous. "I did not want that to be on my obituary at all."

But as the years have passed, he said, he has often thought an injustice had been done to Mr. Carter. Discussing the trip now, he indicated, was his way of making amends. "I just want history to reflect that Carter got a little bit of a bad deal about the hostages," he said. "He didn't have a fighting chance with those hostages still in the embassy in Iran."

Peter Baker is the chief White House correspondent and has covered the last five presidents for The Times and The Washington Post. He is the author of seven books, most recently "The Divider: Trump in the White House, 2017-2021," with Susan Glasser. [@peterbakernyt](#) • [Facebook](#)

✱

A Four-Decade Secret: One Man's Story of Sabotaging Carter's Re-election

-

A prominent Texas politician said he unwittingly took part in a 1980 tour of the Middle East with a clandestine agenda.

✱

<https://www.nytimes.com/2023/03/18/us/politics/jimmy-carter-october-surprise-iran-hostages.html>

"History needs to know that this happened," Ben Barnes now says of his trip to the Middle East in 1980.

✱

Expert analyzes new account of GOP deal that used Iran hostage crisis for gain

<https://www.youtube.com/watch?v=sb3iqtfXsml>

19,632 views Mar 19, 2023

The Iran hostage crisis consumed the last year of the Carter presidency, contributing to a perception of weakness. Saturday, a new allegation has surfaced that Ronald Reagan's campaign worked to prevent the U.S. hostages from being freed before Election Day. Gary Sick, who was the Iran expert on President Carter's National Security Council, joins John Yang to discuss.

Expert analyzes by, Gary Sick, the Iran expert on President Carter's National Security Council,

در Ben Barnes گری سیک، مصاحبه با پی‌بی‌اس، در مورد مقاله بن بارنز
راجع به گروگان‌گیری، اکتبر سورپرایز، ایران‌گیت NYT

✱

New claim about Iran hostage crisis sabotage may change narrative of Carter presidency

<https://www.youtube.com/watch?v=f12lQiv2oxU>

13,743 views Mar 20, 2023

In 1980, a prominent Republican sought to sabotage then-President Jimmy Carter's re-election by asking Middle Eastern leaders to get a message to the Iranians; keep the American hostages until after the election and Reagan will give you a better deal. That's according to a New York Times report. Jonathan Alter, author of "His Very Best: Jimmy Carter, A Life," joined Geoff Bennett to discuss.

مصاحبه پی‌بی‌اس با Jonathan Alter، بیوگرافر جیمی کارتر- مقاله بن بارنز Ben Barnes گروگان‌گیری، اکتبر سورپرایز، ایران‌گیت - نیویورک تایمز

✱

مصاحبه با منصور فرهنگ در مورد گروگان‌گیری، اکتبر سورپرایز - برنامه چشم‌انداز
بامدادی رادیوی بی‌بی‌سی

<https://www.youtube.com/watch?v=QlOWNOWSUgw>

✱

ارتباط چند اعدام سال ۱۳۶۰ با معامله مخفیانه بر سر گروگان‌های آمریکایی

<https://www.radiofarda.com/a/32325065.html>

روزنامه نیویورک‌تایمز یکشنبه ۲۸ اسفند در گزارشی اختصاصی خبر داد دو سیاستمدار پیشین ایالت تگزاس که برای رونالد ریگان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۸۰ فعالیت می‌کردند، همان سال به خاورمیانه رفته بودند تا به مقام‌های جمهوری اسلامی پیام دهند گروگان‌های آمریکایی را پیش از انتخابات آزاد نکنند.

بن بارنز، عضو پیشین مجلس نمایندگان تگزاس که اکنون ۸۵ سال دارد، به این روزنامه گفته است سال ۱۹۸۰ همراه جان کانلی، فرماندار وقت ایالت تگزاس، راهی خاورمیانه شد و از مقامات کشورهای این منطقه از جمله لبنان و سوریه خواست پیام‌هایی مبنی بر آزادکردن گروگان‌ها تا پیش از انتخابات به جمهوری اسلامی منتقل کنند.

او گفته بود به مقام‌های جمهوری اسلامی گفته شده بود که در صورت پیروزی رونالد ریگان، معامله بهتری با تهران انجام خواهد شد.

با این حال به گفته او، مشخص نیست که آیا این پیام منتقل شد و در روند آزادی گروگان‌ها تأثیر داشت یا نه.

آقای بارنز گفته است که هدف اصلی آن مأموریت ضربه‌زدن به مبارزات انتخاباتی جیمی کارتر بود.

۶۶ دیپلمات آمریکایی در ۱۳ آبان ۵۸ به مدت ۴۴۴ روز در ایران گروگان گرفته شدند. این گروگان‌ها سرانجام پس از انجام معامله‌ای که محمدعلی رجایی و بهزاد نبوی به‌عنوان نمایندگان دولت جمهوری اسلامی مسئول پیگیری و اجرای آن بودند، در ازای آزاد شدن منابع مالی مسدودشده ایران در آمریکا آزاد شدند.

جیمی کارتر در انتخابات ۱۹۸۰ از ریگان شکست خورد و فقط یک دوره رئیس‌جمهور بود. بسیاری از تحلیلگران بحران گروگان‌گیری اتباع آمریکایی در ایران را از عوامل شکست آقای کارتر در آن انتخابات برشمرده‌اند.

مقام‌های جمهوری اسلامی گروگان‌های آمریکایی را در روز ادای سوگند رونالد ریگان به‌عنوان رئیس‌جمهور تازه آمریکا آزاد کردند.



رشید صدرالحفاظی، مشاور بنی‌صدر که اعدام شد

ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور پس از انقلاب سال ۵۷، پس از برکناری از این مقام به جریان‌داشتن مذاکراتی میان نزدیکان روح‌الله خمینی، رهبر وقت حکومت، با افرادی از ستاد انتخاباتی رونالد ریگان اشاره کرده بود. او در گفت‌وگوهایش با رسانه‌های متعدد پس از اقامت در پاریس گفته بود که یکی از دلایل خروجش از ایران افشای روابط خمینی و ریگان بوده است.

او گفته بود در زمان ریاست‌جمهوری در ایران از طریق تعدادی از اعضای دفترش به انجام مذاکراتی به‌رهبری محمد بهشتی، دبیر کل وقت حزب جمهوری اسلامی، با افرادی از ستاد انتخاباتی رونالد ریگان پی برده بود.

آقای بنی‌صدر سال ۱۳۸۳ در گفت‌وگویی با رادیو آزادگان گفته بود که دو نفر از اعضای دفترش به نام‌های رشید صدرالحفاظی و حسین نواب‌صفوی گزارشی در ۱۰۰ صفحه همراه مدارک و اسنادی از انجام مذاکره میان محمد بهشتی و مقام‌های آمریکا تهیه کرده و به اطلاع او رسانده بودند.

رشید صدرالحفاظی و حسین نواب‌صفوی از مشاوران آقای بنی‌صدر بودند و هر دو آن‌ها در جریان سرکوب‌های پس از حوادث ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ بازداشت و اعدام شدند.



روزنامه کیهان، یکم مهر ۱۳۶۰

دادستانی انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای که روز چهارشنبه اول مهر ۱۳۶۰ در روزنامه کیهان منتشر کرد، با اعلام خبر اعدام آقای صدرالحفاظی همراه ۲۲ نفر دیگر در روز ۳۱ شهریور ۱۳۶۰ او را متهم به «پی‌ریزی دفتر اطلاعاتی و جمع‌آوری اطلاعات، پرونده‌سازی علیه شخصیت‌های مملکتی و مذهبی از جمله بهشتی، خامنه‌ای و رجایی» کرد.

خبر اعدام حسین نواب صفوی هم روز ۱۳ مهر سال ۱۳۶۰ در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان منتشر شد. در بیانیه دادستانی انقلاب، آقای نواب صفوی به اتهام‌های از جمله «خیانت به اسلام و مسلمین و اقدام جهت براندازی جمهوری اسلامی» متهم شده بود.

مهران مصطفوی، از نزدیکان ابوالحسن بنی‌صدر، در گفت‌وگو با رادیوفردا می‌گوید آقای بنی‌صدر در آخرین ملاقاتش با روح‌الله خمینی متوجه می‌شود که رهبر وقت جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات افراد حزب جمهوری اسلامی با نمایندگان ستاد انتخاباتی رونالد ریگان قرار داشته و احمد خمینی در آن دیدار از آقای بنی‌صدر می‌خواهد دیگر در این زمینه پیگیری و اظهارنظر نکند.

مقام‌های جمهوری اسلامی هرگونه رابطه مسئولان حزب جمهوری اسلامی با مقام‌های آمریکایی را تکذیب می‌کنند. با این حال، اسنادی که در سال‌های گذشته از طبقه‌بندی محرمانه وزارت خارجه آمریکا خارج شده نشان می‌دهد که مقام‌هایی

از دولت جیمی کارتر در روزهای منتهی به انقلاب سال ۵۷ از طریق محمد بهشتی
با آقای خمینی و نزدیکانش تماس و ارتباط داشته‌اند.

✱

تعداد زیادی مرجع جمع‌آوری شده است که برای مشاهده آن‌ها می‌توانید به این ل
ینک مراجعه بفرمایید:

alisedarat.com/2025/11/10/14852

برگرفته از «گاهنامه گزارش، بررسی، و ارزیابی رویدادها»

✱

و نیز:

اکتبر سورپرایز، از ویتنام تا غزه! و البته باز هم وطن ما!

[/https://alisedarat.com/2024/10/31/13718](https://alisedarat.com/2024/10/31/13718)

-

<https://alisedarat.com/?s=گروگان>

-

[اكتير=https://alisedarat.com/?s](https://alisedarat.com/?s=اكتير)

-

[گیت ایران=https://alisedarat.com/?s](https://alisedarat.com/?s=گیت ایران)

-

[ایران گیت=https://alisedarat.com/?s](https://alisedarat.com/?s=ایران گیت)

*

[اكتير+سورپرايز=https://enghelabe-eslami.de/?s](https://enghelabe-eslami.de/?s=اكتير+سورپرايز)

-

[ایران+گیت=https://enghelabe-eslami.de/?s](https://enghelabe-eslami.de/?s=ایران+گیت)

-

[ایرانگیت=https://enghelabe-eslami.de/?s](https://enghelabe-eslami.de/?s=ایرانگیت)

-

<https://enghelabe-eslami.de/?s=ایران گیت>

✱

همچنین:

برخی کتاب‌ها در همین رابطه، که می‌توانید آن‌ها را به طور رایگان پیاده (download)

(ad) نمایید:

سیر تحول سیاست آمریکا در ایران، کتاب اول

[/https://enghelabe-eslami.de/56005](https://enghelabe-eslami.de/56005)

-

سیر تحول سیاست آمریکا در ایران، کتاب دوم: گروگانگیری

[/https://enghelabe-eslami.de/56201](https://enghelabe-eslami.de/56201)

-

سیر تحول سیاست آمریکا در ایران، کتاب سوم: ایرانگیت

[/https://enghelabe-eslami.de/56202](https://enghelabe-eslami.de/56202)

✱

حیله یا خیانت سر اکتبر سورپرایز

[/https://enghelabe-eslami.de/56004](https://enghelabe-eslami.de/56004)

✱

تحقیقها و یافته های جدید پیرامون «اکتبر سورپرایز» و «ایران گیت»

[/https://enghelabe-eslami.de/56003](https://enghelabe-eslami.de/56003)

✱

آدرس مطلب را در سایت (سایت علی صدارت : رسانه های ملی همگانی به مثابه

شاخه چهارم دولت) در ذیل بیابید:

[/https://alisedarat.com/2025/11/04/14863](https://alisedarat.com/2025/11/04/14863)

✱

✱

لینکهای دسترسی به سایر تولیدات ما، و سایر رسانه‌های ما، و نیز راههای تماس و

ارتباط با ما:

linktr.ee/sedarat

*